

Jomhuria Test-texts 1

June 12, 2015

خوشنویسی

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانشوی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش نویس نام دارد. به‌خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه ی شخص باشد. گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است. به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن، سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند.[۱] از این رو خوشنویسی با نگارش سادهٔ مطالب و حتی طراحی حروف و سخته‌آرایی متفاوت است. همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تابییگرایی که مبتنی بر ارزش‌های گرا فیکتی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد.

خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در فته هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی نمادنی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل د هندهٔ آن. تعادل میان مفید و موزد مصرف بودن از یک سو و بیوبایی و تعبیر شکل بایستگی آن از سوی دیگر، تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملامت نام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد.

اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص، و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر، برخوردارند، آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود. در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده‌است و هر حرف به صورت یک «مدول» ثابت درمی‌آید که بخشی از آن به منزلهٔ تادیده گر فتن توافقی چندصدساله‌است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رعایت طر فین حاصل می‌آمده‌است. حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبنای مشخصی تعیین می‌شده که در «رسم‌الخط»ها و «آداب‌الحق»ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شده‌است. قراگیزی کلمات نیز– یعنی «ترسی»– هر سطر هر چند نه به صورت کاملاً پیش‌بینی و تکلیف شده – که ناممکن بوده‌است – اما به‌شکل «سلیقه مطلوب» زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده‌است.

خوشنویسی اسلامی

خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی داشته‌است. زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند. آنان خط زیبا را نه فقط دراستماع قرآن بلکه در اغلب هنرها بکار می‌بردند.[۵] خوشنویسی با خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است. مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت نفراقت در این هنر تجلی باقت و خوشنویسی به مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده‌است. خوشنویسی از قرون او یه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده‌است.

قدیمی‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی‌طالب منسوب است. پس از قرن پنجم هجری، خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه‌دار خط کوفی متعنی و فوس‌دار است.[۶]

در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقفه بشاروی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوطه ششگانه یا اقدم سته معروف شدند که عبارتند از: محقق، ریحان، لکث، نسخ، رقاغ و توفیق. که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می‌باشد. همچنین او برای این خطوطه قواعدی وضع کرد که به اصول دوازدهگانه خوشنویسی محرو فند و عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، تمعید، قوت، سطح، دور، نمود مجاز، نزول مجاز، اصول، سفا و شان.[۷]

یک قرن بعد از این مقفه، ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هشتم جمال الدین باقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود.[۸]

خوشنویسی ایرانی

درحالی که عمدهٔ تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنر مدهانه به عهده ایرانیان بوده‌است، ر فته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند. هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفه‌آرایی دارد اما بیشتر مریوبه به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و هند می‌باشد. در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لمط فنی خاص است.

در ایران پس از فتح اسلام، خطاطی به شیوهٔ نسخ وجود داشت. در زمان حکومت ایلخانیان، اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزیینی زینت یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران، خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میرعلی شیرازی با ترکیب خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را بنیان نهاد. مشهورترین خطاطا قرآن در این دوره بایسنقر میرزا بود.[۹]

آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مد هی نظیر دیوان اشعار قطعات نظریف هنری و با برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و بکار ر فته‌است. این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته‌است. هرچند آنان نیز برای امور محشی‌گری و غیر مد هی قلم‌هایی را بیشتر بکار می‌برد، اما اوج هنرندایی آنان – بر خلاف خوشنویسان ایرانی– در خط لکث و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است.

در ایران نیز برای امور مد هی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتبه‌نویسی مساجد و مدارس مد هی بیشتر از خطوطه لکث و نسخ بهره می‌گر فتنند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد. هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند.

خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست. خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هشتم یا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوطه نسخ و رقاغ به وجود آمد و کسی که این خط را قانولندست کرد خواجه تاج سلمانی بود. که بعدها به وسیله خواجه عبدالغنی محشی استر ابادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد.[۱۰]

پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود. در قرن هشتم میرعلی تبریزی (۸۵۰ هجری قمری) از ترکیب دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد. این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید.[۱] و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید.

خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند. در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه، افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار گویکامیان در هندوستان (که تعلیق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند) رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد.

بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست. در اواسط قرن یازدهم سو مین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرثئی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد. علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور محشی‌گری و بیش از آن ذوق و ذقت قلیت ایرانی دانست. همانطوریکه بعد از پیدایش خط تعلیق، ایرانیان به‌خاطر سرعت در کتابت، شکسته تعلیق آن‌را نیز بوجود آوردند.[۱۲] درویش، عبدالمجید طالقانی این خط را به کمال رساند.

در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد. از یک سو با تأکید و توسعه سیاه‌مشق‌نویسی به سمت هنر ناب رنگت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد. در دوران پهلوی رونق نیا‌های مدرن تجاری و تبلیغی خط را از کنج کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریانات هنری مدرنی شیوه‌هایی چون نقاشیخط را به‌وجود آوردند که کمالات مورد توجه محافل هنرق جهان است.

در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبه‌رو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۲۹ تشکیل شده بود نقش بارزى در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت. همچنین خطی به نام معلى در سال‌های اخیر با تأثیر از خطوط اسلامی – ایرانی لکت و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید مجملی ابداع گردید که تا حدیق مورد استقبال قرار گرفت. آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می‌توان به ابداعات خوشنویسی سبحان مهرداد محمدپور اشاره کرد . خط سبحان یک خط قانونمند همانند نسخ و لکت بوده و قابلیت کتابت و کتبه نویسی فارسی و عربی را دارا می‌باشد و آن را در دست ق خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند.

فن الخط

فن الخط وهو نوع من الفنون ا لبصرية. وهو غا لبا ما يطلق على فن الكتابة (Mediavilla : ١٩٩٦ : ١٧).
وا لتعريف المعاصر لممارسة فن الخط العربي هو "فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة مبررة، و متأنمة. وماهرة" (Mediavilla : ١٩٩٦ : ١8).
قصة الكتابة هي واحدة من ا لتطور الجماعي متعدد في إطار المهارات ا لتقنية، وسرعات الانتقال وتعددیه المواد، الزمان والمكان من الشخص (Diringer : ١٩٦٨ : ٤٤١). ويوسف نسط معين من الكتابة بأنه نصي. أو نسخ أبجدی (فریزر و Kwiatkowski : ٢٠٠٦ : جوستون ١٩٠٩ : بلايت ٦).

يتراوح الخط الحديث من كتابات وثما ميم خط ا لبذونلغی إلى القطع الفنية حيث ا لتعبير المجرد للعلامات المكتوبة بخط ا لبذ ا تني قد تمل أو ك تمل محل قراءة الحروف (Mediavilla : ١٩٩٦).
يشتمل الخط العربي الكلاسیكي عن الطباعه وعن خط ا لبذ الغير تقییدی، وأن كان الخطاط قد يبتكر كل هؤلاء، وهي تاريخيا حروف منمنمة ومع ذلك سمة وثقافية ومرتبطة في لحظة الكتابة (بوت ٢٠٠٦ و Zapf : ٢٠٠٧ و ٢٠٠٠).

و يستمر الخط العربي في ازدهار في أشكال دعوات الزواج والأحداث، وتصميم بنط ا للطباعة، وتصميم الشعار باستخدام خط النسخ، والنش الديني، والإعلانات / ا لتصميم الجرا فیکي / وفن الخط.
وا لنش على القطع الحجرية ووثيقة العزاز.
ويستخدم أيضا من أجل الأثاث والصور المتحركة للسينما وا لتلفزيون، والشهادة في القضاية، وشهادات الميلاد والوفاة، والطرائد، وغيرها من الأعمال ا تني تنطوي على الكتابة.

الأدوات

الأداة الرئيسية في فن الخط هو القلم. مشطوف الرأس والمعدب و الریش. و هناك المضفرة صابرة عن جنر زیني القوام يستخدم في الكتابة. وكذلك من ادوات الخط الورق عالي الجودة.

الفنون ا لبصرية

الفنون ا لبصرية هي الأشكال الفنية ا لتي تركز على إنشاء الأعمال ا لتي هي في المقام الأول مرئية في الطبيعة. مثل الفنون التشكيلية ا لتقليدية (النقش، الرسم، الرسم الفني ا لتحت، العمارة، والطباعة).
الفنون ا لبصرية الحديثة (ا لتصوير الفوتوغرافي، الفيديو وساعة الأفلام)، وا لتصميم والنحرف ا لبديوية، العديد من ا لتخصصات الفنية (الفنون المسرحية، فنون اللغة، فنون النسيج وفن الطهي) تنطوي على جوانب من الفنون ا لبصرية. بالإضافة إلى أنواع أخرى.
ویا لتالي فإن هذه ا لتعريفات ليست د قیقة.

والمفهوم المتغير.
الاستخدام الحالي لمصطلح "الفنون ا لبصرية" يتضمن الفنون الجمیة بالإضافة إلى الحرف ا لبديوية. ولكن هذا ليس هو الحال دائما. قبل حركة الفنون والحرف ا لبديوية في بريطانيا وأماكن أخرى في مطلع القرن 20th "الفن التشكيلي" يعود على الشخص الذي يعمل في مجالالفنون الجمیة (مثل الرسم، ا لتحت، أو الطباعة) وليس مجال الأشغال ا لبديوية والحرفیة.
أو من یطبق ضوابط الفن، وأكد ا لتعبیر من قبل فنانین من مجال الفنون والحرف الحركیة الذين یقدرون أشكال الفن العا مية بقدر الأشكال الامة.
الحركة تتناقض مع المتصورون الذين سموا لتحجب الفنون العا لية عن الجما هیر من خلال إبقائها مقتصورة على فئة معينة من ا لتناس.
[بحاجة لمصدر] مدرسة الفن تفرق بین الفنون الجمیة والحرف ا لبديوية في مثل هذه الطريقة ا لتي لا يمكن ا ستیار الحرفیین معارصون للفن.

فن الكمبيوتر

الفنانین ا لبصريین لم يعد يقتصر عمله على وسائل الفن ا لتقليدي. أجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون ا لبصرية من سبوبة (أدأ:0) أو قالب:Dbn.
للتحریز، ك استكشاف مكونات متعددة، للطباعة (یما في ذلك الطباعة ثلاثية الأبعاد.

فن الكمبيوتر هو أي فن يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني. هذا الفن يمكن أن يكون صورة، صوت، صور متحركة ، فيديو، أقراص مضغوطة، دي في دي، لعبة فيديو، موقع، خوارزمیة، آداء، أو تثبيت معرض رسوم. العديد من ا لتخصصات ا لتقليدية الآن تقوم بدمج ا لتقنيات الرقمية و، نتيجة لذلك، الخطوط بین العمل ا لتقليدي للفن وعمل الوسائل الجديدة ا لتي لم إنشأوها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت

غیر واضح۔ علی سبیل المثال۔ الفن ان قد یجمع بین الرسم ا لتقلید مع الفن الصنایي و غیرہ من ا لتقنیات الرقمیة۔ نتیجة لذلك، تحديد فن الكمبيوتر بواسطة منتجها ا لتبالي يمكن ان یكون صعبا. ومع ذلك، هذا ا لتوع من الفن قد بدأ بالتفهور في المتاحف والمعارض الفنية. علی الرغم من أنه لم تثبت شرعیها بعد، یوسفها شكك فالما بذاته وهذه ا لتكنولوجيا علی نطاق واسع فی الفن المعاصر تعتبر كأداة أكثر من أنها شكك من اشكال الفن كما هو الحال مع ا لتصویب الرقني.

استخدام الكمبيوتر جنب الفرق بین الرسامون. المصورون. محررين الصور ا لنماذج ثلاثیة الأبعاد، و فنانو الحرف ا لیدویة. برامج ا لتحرير وا لتقديم المتطورة أدت إلى تعدد مهارات مطورین الصور. قد یصبح المصورین فنانین رقمیین قد یصبح الرسا مین صانعو رسوم متحركة. الحرف ا لیدویة قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام الكمبيوتر. لنو لید الصور كالماء. استخدام مقاطع الكمبيوتر الفنية جعلت ا لتصییر الواضح بین الفنون ا لبصرية ومخططة الصفحة أقل وضوحا بغسل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفنية فی عملية تر قیم صفحات الوثقیة. وخاصة للترا فبین الذين یفتخرون للبراعة.

آرٹ

آرٹ ایسے کم یا کماں ہوں اکھیا جائدا اے جیدت وچ چیزاں ہوں نشاناں تال اینج دسیا جائدا اے جے اویہ سوینیاں لکھن۔ آرٹ دی بنی شی کوئی کھانی دسدی اے یا صرف کوئی سویا سج یا مسوس ہوں والا جدیہ۔ امثالیکوویڈیا پریمانیکا آرٹ ہوں اینج دسد اے۔“ اویہ سوینیاں شیواں، محول، یا تحریباں جنہاں ہوں دوجیاں ہوں وی دسیا جا سکے تے جنہاں دت بنان وچ سوچ تے گر ہوں ورتیا گیا یولے۔“ ایتھے آرٹ وچ مورثاں [Painting]، پتی بنانا(Sculpture)، تے فوٹوگرافی آئدت نیں۔ آرکیچیکچر ہوں وی دیکھے جان والے آرٹ وچ گنیا جائدا اے پر اویدت وچ اوس شے تے کم لینا اویدت بنان دا مذہ ہوندا اے۔ موسیقی، ٹھیٹر، فلم ہوں آرٹ تال رگیا جاسکدا اے۔

آرٹ فلاسفی دی اک ونڈ اے جیدت وچ ایڈق اصل ایذا بنانا تے ایہوں دسدا آئدت نیں۔ آرٹ اک ول یا راہ اے انسانی سوچ یا جڈنی ہوں دسن یا کسے پور تک ایڑان۔ کئی۔ ارسطو دی فلاسفی وچ آرٹ اک ودیا تے آئیڈیل نقل (Mimesis) اے۔ کيو ناکسانئی ایہوں اک بندت ہوں دوجے بندت تک گل ایڑان دا پنھا ول کیندا اے۔ مارٹن بائیئگر دی اکھ وچ آرٹ اک ایسا ول اے۔ جیدت راہیں کوئی سنگت ایسا آپ دسدی اے۔

تريخ

ویس و لنڈورف

آرٹ دت سب ہوں پرائے نمونے پتھر ویلے ہوں۔ لہدت نیں ویس و لنڈورف 24,000 ہوں 22,000 م پ دی اک زبانی دی پتھر دی پتی مورتی اے جیہڑی آسٹریا ہوں۔ کئی سی۔ آسکو، فرانس وچ زمین دت اندر غارواں وچوں 17,300 ورے پراڻیاں جانورواں تے انساناں دیاں مورتاں کندان تے بنیاں ملیاں نیں۔ ایہناں وچ انسان شکار کردا دسیا گیا اے۔ وشکار، پتھر ویلہ 6000–۵000 م پ۔ لنگان تے نیو لٹھک ویلے 3000–6000 م پ وچ انسان تے والی بیجی تے اک نھاں تے تک کے ریتا سکھیا۔ ریتناں گنجلیاں یویاں تے مذہب تے وق ماندا پائی تے انسان تے اپنے فہدت۔ کئی پتھ تال کئی چیزاں بنائیاں سکھیاں تے فیر کانسی ویلے 1000–3000 م پ وچ پھکیاں انسانی ریتناں یونگریاں۔ پرائے مصر۔ پرائے عراق۔ فارس۔ بڑیہ ریتل، چین۔ پرائے یونان، روم تے انگا تے مایا دیاں ریتناں تے اینجیاں آرٹ دیاں ریتناں اینجیاں ضرورتاں تے اپنے کول ہوں وا کماں شواں ہوں بنایاں۔ آرٹ اوڈوں لکھائی دت بن تال نردا اے۔ لکھائی اپنے مذہ ویلے ہوں تے ببار دت کم ہوں سوکھا تے۔ کین دین ہوں یاد رکھن۔ کئی پتی۔ لکھائی پھلے مورتاں تال تے فیر وازراں ہوں نشان دت کے تے او بکاں ہوں چوڑ کے بنائی جاندی اے۔

پراڻا عراق

پرائے عراق دا آرٹ دجلہ تے فرات دت دریاواں دت وشکار 6 ہزار ورے پھلے ہوں اونچھے یونگنر وا کماں اشورق، سمیری، کالقد، ریتناں وچ بنیا۔ اینہوں دے آرکیچیکچر وچ اے تے ذات دا ورثن سی تے ایدت تال کورت، مدرے تے گھریاں بدھراں والے پرم پٹالے گئے۔ مٹکلاں وچ گھریاں بدھراں تے سو پنے کھ کالے گئے جیہڑت پرائے دنیا دیاں 7 نوکیلیاں شواں وچوں سن۔ پتی بنان دا ول لکڑ ہوں چھل کے تے نقشے دہی پتھر تال بنیا تے ایہناں تال مذ پئی، شکار تے فوجی کھالے انساناں تے جانورواں تال پٹالے جاندت سن۔ سمیری ویلے وچ نکلیاں بنیاں جہاں دت کنارت لکھی، رنگلی پتھر دیاں، گنچے سر تے چھانیاں تے پتھ سن۔ اکادق ویلے دیاں بنجاں دت سر دت وال لہے تے داڑیاں سن جویں نارام سین۔ عموری ویلے دیاں بنیاں ہوں لاگاش گڈیا وچ سمجیا جاسکدا اے۔ جیدت ج گڈیاں تے چادر سر تے ٹوپیاں تے پتھ چھاتی تے رکھے نیں۔ اشتر یوآ جیہڑا بابل وچ 575 م پ وچ بنایا گیا سی بابل دے آرکیچیکچر ارن دی وڈی نشانی اے تے ایذا کج حصہ پیگامون، میوزیم، برلن وچ ہے۔

گیوٹل شیرنی 5000 ورے پرائے کالم پتھر دی پتی اے مورتی اے۔ عراق وچ اہہ اوڈوں پتی جڈوں پیپہ تے لکھن دا ول پٹنے کئے۔ کھنی عراق وچ ارک وچ گول پیپ وکیاں مورتاں تے بنیاں مورتاں کھانی سٹاندا اے نویتک ول سی۔ اہہ مہراں پتھر مٹی یا کسے پور شے دہاں وی بنیا یوسکدیاں سن۔ رات دی رانی عراق چوں۔ کئی کوئی 3۵00 ورے پرائے پتھر تے پتی عورت دیوق دی پتی اے۔ جیدت پیر پتجھی وچکے دوائے پیر سچے کھسے شیر تے الو نیں۔ گڈیا دی پتی 2۱44 – 2۱24 م پ ورے پرائی اے۔ ار دا سخیئڈر، کھڑق بگرے، تانبہ پکد تے گدھ دی بانگرا پرائے عراق دے آرٹ دیاں مٹیاں پیر مٹیاں نشانیاں نیں۔

لکھائی دا ول بنن تال پرائے عراقی لکھناں وچ وی اپنے آپ ہوں دسدت نیں۔ گلگامش 17 صدی م پ وچ لکھی گئی ایدت وچ سمیری تے اکادق دیوتاواں دیاں کھانیاں نیں۔ انرابسس، اکادق ویلے دی اک لکھت اے جیدت وچ بڑ آن دی کھانی دسی گئی اے۔ بابل دیاں لکھناں وچ سب ہوں پتی پر مئی لکھت انوما الیلہی اے۔ جیدت وچ ایس کائنات دت بنن دی کھانی دتی گئی اے۔

پراڻا مصر

ملکہ نیفرتیحتی

پراڻا مصری آرٹ 5000 م پ ہوں لے کے 300 تک دت ویلے تک پھیلی ہوئی مصری ریتل دی نشانی اے تے ایہدت وچ مورتاں، بنیاں، آرکیچیکچر تے رلدیاں چیزاں آئدیاں نیں۔ اہہ مصری آرٹ پراڻیاں قہراں تے بانگراق نھاں ہوں کماں۔ لہے تے اینج ایڈھی وچ مرن مگروں جیون تے پرائے جانکاری ہوں بچان تے رور اے۔ اہہ آرٹ 3000 م پ ہوں لے کے نیچی صدی تک تے اچچھے دوسرت تے تیسرت تیر ویلے وچ بنیا۔ 3000 ورے دت لہے ویلے وچ ایذا تے باہر دا کوئی اثر ناں پیا تے جی ودیا ول تال اہہ نریا تے بنایا گیا اے۔ اتھ تک اےج دا ای ریا، ایس ویلے دا مٹیا آرسنڈ، پیپکو یکاسو مصری آرٹ ہوں اثر کیندا اے۔

مصر اک سکا دیس ہون باجوں ایتھے بنیاں مورثاں نہیک ملباں نیں۔ مصر دیاں پنجاب وچوں سب توں چکھیاں جاندیاں جان وا لبیاں رامسیس II، اخناتون، ہخیرمنیتی، اوسگورن II، منہوتپ III، سنکار تے نشتامون

نیں۔مصرق پانڈت پتھر توں لے کے مئی نال بندت سن لے اوبنے تے کالے یا رنگلے نقش بنے بوندت سن۔ ایہناں وچ عام گر ورن دت پانڈت مرتباں، کُرت نیں۔

مصرق مندرن، مغلن، برماں، شِیراں، تے پور کولھیاں توں بنان وچ اتہ، کالم پتھر، ریتلا پتھر تے گریمائٹ ورتے گئے۔ لکڑ ٹھوڑی ہون باجوں ایدا ورتن ٹھوڑا اتہ، خوفو دا ابراہم، ایوالھول، کرناک، لکسر، ادفو دت مندر ایدت وڈت ادھارن نیں۔ مصرق لکھناں تے مورثاں بنان لئی پیمائرس ورتت سن۔ اہہ اک بولے توں بنایا جاندا سی۔ ایدیاں نشانیاں مصر دت سکے موسم وچ رہ گیا پور کلاسیکی دنیا وچ وق ایدا ورتن سی پر پوکتے پور نال ریاں۔

پیرانا یونان

پیرانا یونانی آرٹ پنجاب، آرکیتیکچر پانڈت تے مورثاں وچ دسد ات تے ایس تے یورپ تے ایشیا، وچ پاکستان تک اپنے رنگ چھڈت نیں۔ یونانی پانڈت کھیریاں ویلباں وچ کھیریاں وگان تے ٹھونیاں وچ بندت سن۔ پانڈت چنای وچ مرتباں تے پیمناں تے عام زندگی دیاں مورثاں بنیاں ہوندیاں سن۔ یونانی آرکیتیکچر اپنی شان، سانگی تے سوبیب وچ اپنی ادھارن آپ اتہ۔ پیرگامون، پارٹھینن، پیسٹس دا مندر ویکھن وا لبیاں ٹھانوان نیں۔ مالکو دی ونیس، سیمونٹھریس دق ٹالیکے، یونانی پنجاب دیاں ودیا ادھارن نیں۔

گھنی ایشیا،

گھنی ایشا، وچ آرٹ دق ریت بزیہ، ریتل توں لردق بولی اج دت ویلے تک ایڑدق اتہ۔ پانڈت پنجاب آرکیتیکچر، مورثاں تے اہہ آرٹ ویکھیا جاسکدا اتہ۔ مہنچوداڑو دی نچدی کڑق، پندت بادشاہ، مہراں چنھان تے ہانھی بند تے سواسٹیکا بنے بولے سن، تے مئی دت وڈت مرتباناں تے پانڈیاں تے مورثاں اوس ویلے دت آرٹ دا کھالہ نیں۔بہت بنانا بندو جین تے بدھ مت دی ریتہ رلی اتہ۔ اجنتا دت غار ایرانی ہندستانی بتی دق اک ودیا ٹھان اتہ۔ بندو ہزاراں وریاں توں اپنے دیوق دیوتاواں وشنوشو!،لکشمی،گنیش، بنومان،اندراگرام تے سرسوتی دیاں مورثاں تے بنایا بنا گئے مندرناں تے گراں وچ کُھدت آتے نیں۔ اٹلے پنجاب وچ گندھارہ بدھ مت دت آرکیتیکچر دی وق ٹھان سی۔ اہہ پنجاب بدھ تے اودت جیون دت دوائے نیں تے ویلے نال ایہناں دت بنان وچ ندیدیمیاں آلباں تے یونانی رنگ وق دسدا اتہ، مغل راج ویلے ایرانی رنگ موراں وچ دسدا اتہ۔ مغل راج ویلے دیاں مورثاں مغل بادشاہواں تے اویساں دت جیون دت دوائے ای بنایاں نیں۔ کاکڑہ راجپوت تے پنجاب مورثاں بنان دت مغلناں مگروں کھرت سکول سن۔ مورثاں دت ول توں انگریزاں نے آگے اپنا رنگ وق چازیاء۔ قلعب مینار قلعبادین ایکب دی جت تے دلی وچ بنایا گیا اک مینار اتہ۔آرکیتیکچر وچ پیرانے قلعہیاں مندرناں دت مگروں مغل ویلے وچ مغل آرکیتیکچر ہندستان دی پھچان بندا اتہ۔ تاج محل، بادشاہی مسجد، شالامار باغ، شاہی قلعہ مغل آرکیتیکچر دت کج نشان نیں۔

اسلامی خطاطی

اسلامی خطاطی : یہ ایک فن ہے۔ جو لکھنے سے تعلق رکھتا ہے۔ بالخصوص عربی حروف، خوبصورت انداز میں لکھنے کا فن۔ [1]اس فن کو اسلام سے جوڑدیاگیا۔ اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مقبول ہوتا ہے۔

اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریز اور تحفظ، اس فن کو فروغ بولے میں کا میابی ملی۔ [2]

یہ فن عربی زبان ہی میں نہیں بلکہ، فارسی، ترکی، اردو، آذری زبانوں میں بھی عام ہے۔

خطاطی، بحیثیت اسلامی فن، کافی سرائی گئی۔ مذہب اسلام کے ماننے والے دنیا کے مختلف ممالک میں ہیں، اور مختلف زبانیں پو لیتے ہیں۔ یہ فن، مسلمانوں کی مختلف زبانوں کو جوڑنے کا کام کیا ہے۔ عربی، فارسی، اردو، سندھی، آذری، ترکی وغیرہ زبانوں میں بھی یہ فن مقبول ہوا۔ قرآن کی کتابت میں یہ فن بہت ہی کارآمد رہا۔ چھاپہ مشین ایجاد ہونے سے پہلے، کاتب حضرات ہی ان زبانوں میں کتابت اور اشا صوب کا بڑا اٹھایا۔ عثمانیہ دور میں ’دیوانی‘ خط عروج میں آیا، دیوانی خط کا ایک روپ ’جلی دیوانی‘ یا ’دیوانی الجالی‘ ہے۔ رفتہ رفتہ ’زُلف‘ خط کا ارتقا ہوا۔

اشیا، خطاطی[ترمیم]

رواجی طور پر خطاطی کے لیے، قلم، دوات اور رنگ۔ اہم ہیں۔

• قلم : خطاطی کے لیے مخصوص قلم بنائے جاتے ہیں۔ ”برّو“ یا ”پانس“ یا ”بمبو“ کے قلم مشہور ہیں۔ قلم کی ٹوک، حروف کی چوڑائی کے مطابق بنائے جاتے ہیں۔ حروف چنتے چوڑت، قلم کی ٹوک اتنی چوڑت۔

• دوات : دوات، شئی، اور ہمہ قسم کے رنگ بھی استعمال ہوتے ہیں۔

خطاطی سکھانے کے کئی مراکز بھی ہیں۔ شہر حیدرآباد کن میں، اردو اکیڈمی، انجمن ترقی اردو، عابد علی خان ٹرسٹ، آج بھی خطاطی میں ٹریننگ دت رہے ہیں۔

مساجد اور خطاطی[ترمیم]

اسلامی ”مسجد خطاطی“ یہ بھی اسی فن کا ایک جز ہے۔ مسجدوں کی، میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ہے۔ مساجد میں قرآنی آیات، میناروں پر کندہوں پر اندرون کندہ پر قرآنی کلمات کا لکھا جانا فن تعمیر۔فن خطاطی کا ایک مرکب ہے۔

صارت بسم الله الرحمن الرحيم، اور الله – محمد صلی الله علیہ و آلہ وسلم ، مساجد میں لکھنا ایک عام رسم ہے۔ ان کے علاوہ، قرآنی آیات کا لکھا جانا بھی عام ہے

عربی زبان

عربی (العربية al-ʿarabiyyah یا عربی/لغة عربية ʿarabi)۔ سامی زبانوں میں سب سے بڑے اور عیسائی اور آرمی زبانوں سے بہت مٹی ہے۔ جدید عربی کلاسیکی عربی زبان (فصحی عربی یا اللغة العربية الفصحی) کی تھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ہے۔ فصحی عربی قدیم زمانے سے ہی بہت ترقی یا فنہ شکل میں تھی اور قرآن کی زبان بولنے کی وجہ سے زندہ ہے۔ فصحی عربی اور بولنے والی عربی میں بہت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی ہے جیسے بولنے والی اور ادبی اردو میں فرق ہے۔ عربی زبان نے اسلام کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانوں مثلاً اردو، فارسی، ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ڈالا ہے اور ان زبانوں میں عربی کے بے شمار الفاظ موجود ہیں۔ عربی کو مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ہے اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھنے کی وجہ سے عربی حروف اور الفاظ سے مانوس ہیں۔ عربی کے کئی لہجے آج کل پائے جاتے ہیں مثلاً مصری، شامی، عراقی، حجازی وغیرہ۔ مگر تمام لہجے میں یو لٹے والے ایک دوسرے کی بات بخوبی سمجھ سکتے ہیں اور لہجے کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے۔ یہ دلائل سے پائیں لکھی جاتی ہیں اور اس میں ہمزہ سمیت 29 حروف تھیں ہیں جنہیں حروف ابجد کہا جاتا ہے۔ (Arabic language)

حروف تھیں

حروف تھیں سے مراد وہ علامتیں ہیں جنہیں لکھنے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے۔ اکثر زبانوں میں یہ مختلف آوازوں کی علامات ہیں مگر کچھ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں بھی استعمال کیے جاتے ہیں۔ بعض ماہرین کسانیات کے خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا فنیقی لوگوں نے حروف کو استعمال کیا۔ بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں۔ بعض ماہرین ان کی ابتدا، کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں۔ اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لیے گئے ہیں۔ جنہیں حروف ابجد بھی کہا جاتا ہے۔ ان کی پڑائی عربی ترتیب کچھ یوں ہے۔ ابجد ہوز حطی کلخم سفص قرشت ثخذ ضطغ۔ انہیں حروف ابجد بھی کہتے ہیں۔ علم خفر میں ان کے ساتھ کچھ اعداد کو بھی منسلک کیا جاتا ہے۔ جو کچھ یوں ہیں۔

اس طریقہ سے اگر رسم اللہ الرحمن الرحیم کے اعداد شمار کیے جائیں تو 786 بنتے ہیں۔ بعض اہل علم ہمزہ (اَ) کو بھی ایک الگ حرف مانتے ہیں۔ اس حساب سے پھر عربی کے انتیس حروف تھیں بنتے ہیں۔ اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے علاوہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں۔ اردو میں ہمزہ سمیت کل 37 حروف ہیں۔ اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی ظاہر کی جاتی ہیں مثلاً گھ، بھ وغیرہ۔ اردو میں فن تاریخ گولی کی صنف موجود ہے جس میں اشعار یا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی تاریخ برآمد کی جاتی ہے۔ اردو میں حروف کے اعداد حروف ابجد جیسے ہی ہیں۔ اضافی حروف کے لیے بھی انہی سے مدد لی جاتی ہے۔ مثلاً 'پا' کے اعداد 'با' کے برابر، 'ڈا' کے اعداد 'ڈا' کے برابر، 'کا' کے اعداد 'کا' کے برابر اور 'ت' کے اعداد 'ق' کے برابر شمار کیے جاتے ہیں۔